



سرشناسه	: اعرافی، علیرضا، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: بررسی فقهی سوءظن/علیرضا اعرافی؛ تحقیق و نگارش احمد عابدین زاده و گروهی از محققین؛ ویراستار محمد مهدی حکیمیان
مشخصات نشر	: قم: مؤسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	: ۲۸۴ ص:؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۴۲-۶۵-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۶۳-۲۷۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	: نمایه.
شناسه افزوده	: عابدین زاده، احمد، ۱۳۵۴-
موضوع	: سوءظن (فقه) * Suspicion (Islamic law)
موضوع	: روابط اجتماعی (فقه) * Social interaction (Islamic law)
موضوع	: سوء ظن -- جنبه های مذهبی -- اسلام
موضوع	: Social interaction -- *Religious aspects -- Islam
موضوع	: روابط اجتماعی -- جنبه های مذهبی -- اسلام
موضوع	: Social interaction -- *Religious aspects -- Islam
رده بندی کنگره	: ۶/BP۲۵۰
رده بندی دیویی	: ۶۳۲/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۷۵۵۷۸۶

علیرضا اعرافی

بررسی فقهی سوءظن

از سری بحث‌های فقه اخلاق اجتماعی

تحقیق و نگارش: احمد عابدین زاده و گروهی از محققین



نشر اشراق و عرفان



بررسی فقهی سوء ظن

علیرضا اعرافی

تحقیق و نگارش احمد عابدین زاده و گروهی از محققین
ناشر مؤسسه اشراق و عرفان
ویراستار محمد مهدی حکیمیان
امور هنری حمید بهرامی
نوبت و تاریخ چاپ اول/پاییز ۱۴۰۳
لیتوگرافی، چاپ و صحافی چاپ هوشنگی
شمارگان ۵۰۰ نسخه

کلیه حقوق برای مؤسسه اشراق و عرفان محفوظ است

ISBN : 978-600-8542-65-0

www.eshragh-erfan.com

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۸۵۴۰

info@eshragh-erfan.com

نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۸۵۴۱

آدرس: ایران، قم، خیابان معلّم، معلّم ۸، کوچه شهید محقق، پلاک ۵۹

فهرست

سخن مؤسسه.....	۱۳
پیشگفتار.....	۱۵

فصل اول: کلیات ۱۹/

۱. بیان مسئله.....	۱۹
۲. اهمیت و ضرورت بحث.....	۲۰
۳. مفهوم شناسی.....	۲۳
الف) سوء ظن.....	۲۴
یکم. ظن.....	۲۴
دوم. سوء.....	۲۵
سوم. سوء ظن.....	۲۶
ب) حسن ظن.....	۲۷
ج) واژه‌های متناظر.....	۲۸
یکم. تهمت.....	۲۸
دوم. خیر.....	۳۳
سوم. اعتماد، ثقه و رکون.....	۳۶

چهارم. تصدیق و ایمان.....	۳۹
پنجم. مثبت نگری.....	۴۱
۴. پیشینه.....	۴۴
الف) فرافقهی.....	۴۴
یکم. قرآن و حدیث.....	۴۵
دوم. اخلاق.....	۴۷
سوم. روان شناسی.....	۵۲
ب) فقهی.....	۵۴
یکم. سوء ظن و حسن ظن در فقه عامه.....	۵۴
دوم. حسن ظن و سوء ظن در فقه امامیه.....	۵۶
سوم. جایگاه بحث در ابواب فقهی.....	۵۸
فصل دوم: بررسی ادله حرمت سوء ظن	۵۹
۱. حکم عقل.....	۵۹
۲. آیات قرآن کریم.....	۶۱
الف) آیه افک.....	۶۱
یکم. دلالت لولای تحضیض بر وجوب.....	۶۱
دوم. التفات از خطاب به غیاب.....	۶۲
سوم. اشعار وصف بر علیت.....	۶۳
چهارم. شمول خطاب نسبت به مؤمنین و مؤمنات.....	۶۳
پنجم. تأکید بر یکپارچگی جامعه ایمانی.....	۶۴
ششم. معنای ظن در آیه.....	۶۴
هفتم. متعلق امر و نهی در آیه.....	۶۵
هشتم. آیه شریفه، مربوط به سوء ظن یا حسن ظن؟.....	۷۴

۷۸.....	نهم. متعلقات «لولا» در آیه.....
۷۸.....	دهم. متعلق تکلیف و تعداد حکم در آیه.....
۷۹.....	یازدهم. گستره متعلق سوء ظن در آیه.....
۸۴.....	دوازدهم. دامنه افراد موضوع حکم.....
۸۶.....	جمع بندی.....
۸۶.....	ب) آیه اجتناب از ظن.....
۸۷.....	یکم. آیه در سیاق روابط اجتماعی.....
۸۷.....	دوم. دلالت «اجتنبوا» بر نهی.....
۸۸.....	سوم. احتمالات ترکیب «کثیراً من الظن».....
۸۹.....	چهارم. مراد از ظن در آیه.....
۹۶.....	پنجم. قید «کَثِيراً» در آیه.....
۱۰۰.....	ششم. متعلق حکم ظن در آیه.....
۱۰۲.....	هفتم. مفهوم اِثم.....
۱۰۳.....	هشتم. ارتباط سوء ظن با تجسس.....
۱۰۴.....	نهم. متعلق اجتناب از سوء ظن در مؤمن و کافر.....
۱۰۵.....	جمع بندی.....
۱۰۶.....	ج) آیه تبعیت از غیر علم.....
۱۰۶.....	یکم. چگونگی ارتباط آیه با بحث سوء ظن.....
۱۰۷.....	دوم. معنای «لَا تَقْفُ».....
۱۰۸.....	سوم. شمول خطابات مفرد نسبت به عموم.....
۱۱۰.....	چهارم. شمول آیه نسبت به وهم، شک و ظن.....
۱۱۱.....	پنجم. علت اطناب در «مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ».....
۱۱۲.....	ششم. مولوی یا ارشادی بودن نهی در آیه.....

- هفتم. شمول احکام تکلیفی نسبت به افعال جوانحی ۱۱۷
- هشتم. مراد از «مسئول» در آیه ۱۱۷
- نهم. شمول آیه نسبت به سوء ظن به غیرمؤمن ۱۱۸
- جمع‌بندی ۱۱۸
- (د) آیه نبأ ۱۱۹
- یکم. موضوع یا عنوان مشیربودن فاسق ۱۲۱
- دوم. تعمیم حکم آیه به عادل ناسی یا غیرضابط ۱۲۲
- سوم. مفاد «تبیّنوا» ۱۲۳
- چهارم. ارتباط آیه با بحث ظن ۱۲۵
- پنجم. شمول آیه نسبت به حسن ظن ۱۲۶
- ششم. متعلق نهی، ترتیب اثر بر ظن ۱۲۷
- هفتم. معنای «نبأ» ۱۲۷
- هشتم. قاعده فقهی مستفاد از تعلیل آیه ۱۲۹
- نهم. تعمیم قاعده فقهی فوق از قوم به فرد ۱۳۰
- جمع‌بندی ۱۳۰
- (ه) آیه اذن خیر ۱۳۱
- یکم. شأن نزول آیه ۱۳۱
- دوم. حکم ایذاء النبی ﷺ ۱۳۳
- سوم. تعمیم حکم ایذاء النبی ﷺ به معصومین علیهم السلام ۱۳۵
- چهارم. معنای «أذن» ۱۳۶
- پنجم. چگونگی پاسخ به منافقان ۱۳۷
- ششم. مراد از «أذن خیر» ۱۳۷
- هفتم. ارتباط آیه با حسن ظن و سوء ظن ۱۴۰

۱۴۸.....	جمع بندی
۱۴۹.....	(و) آیه گفتار نیک با مردم
۱۵۲.....	(ز) آیه اجتناب از قول زور
۱۵۴.....	جمع بندی آیات حکم فقهی سوء ظن
۱۵۶.....	۳. روایات
۱۵۷.....	الف) روایات سوء ظن و حسن ظن
۱۵۷.....	یکم. حدیث اربعمائه
۱۶۴.....	دوم. روایت حسین بن مختار
۱۷۰.....	سوم. روایت قرب الإسناد
۱۷۰.....	چهارم. روایت قضاء الحقوق
۱۷۱.....	پنجم. معتبره حریز
۱۷۴.....	ششم. روایت حماد بن بشیر
۱۷۴.....	هفتم. دعای بیست و ششم صحیفه سجادیه
۱۷۶.....	هشتم. عهد مالک اشتر
۱۷۹.....	نهم. روایت مصباح الشریعة
۱۸۱.....	جمع بندی روایات سوء ظن و حسن ظن
۱۸۲.....	ب) روایات باب تهمت
۱۸۲.....	یکم. صحیحہ ابراهیم بن عمر الیمانی
۱۸۴.....	دوم. روایات مسعدة بن صدقه
۱۸۵.....	سوم. حدیث اربعمائه
۱۸۶.....	چهارم. روایت عمر بن یزید
۱۸۷.....	حاصل روایات تهمت
۱۸۷.....	جمع بندی ادله

فصل سوم: فروع	۱۹۰
۱. قاعده حمل فعل مسلم بر صحت	۱۹۰
الف) تحلیل قاعده اصالة الصحة به دو قاعده	۱۹۰
ب) تفاوت اصالة الصحة با قاعده تجاوز و فراغ	۱۹۲
ج) اخلاقی یا فقهی بودن اصالة الصحة	۱۹۳
د) مقدار دلالت قاعده اصالة الصحة	۱۹۴
ه) نسبت بین دو معنا از اصالة الصحة	۱۹۵
۲. قلمرو موضوعی حرمت یا کراهت سوء ظن	۱۹۶
الف) دامنه حرمت نسبت به سوء عرفی و شرعی	۱۹۶
ب) دامنه حکم نسبت به ظن درونی و اظهار عملی	۱۹۹
یکم. موضوع حرمت، امری درونی یا اظهار عملی؟	۱۹۹
دوم. اقسام ظن قلبی	۲۰۴
سوم. اقسام مبرزات سوء ظن	۲۰۶
ج) سوء ظن براساس شواهد عقلایی	۲۰۹
یکم. آیات	۲۰۹
دوم. روایات	۲۱۲
د) ملکه سوء ظن	۲۱۴
ه) حکم حسن ظن به معنای خاص	۲۱۵
جمع‌بندی بحث در دامنه مفهومی حرمت سوء ظن	۲۱۷
۳. قلمرو متعلق حرمت سوء ظن	۲۱۸
الف) سوء ظن به غیرمؤمن و غیرمسلمان	۲۱۹
یکم. آیات	۲۱۹
دوم. روایات	۲۲۱

۲۲۳	جمع‌بندی سوء ظن به غیرمؤمن و غیرمسلمان
۲۲۳	ب) سوء ظن به غیرمکلفان
۲۲۳	یکم. صبی
۲۲۴	دوم. مجنون
۲۲۴	سوم. سوء ظن به میت
۲۲۹	ج) سوء ظن به آینده‌دیگران
۲۳۰	۴. کبیره یا صغیره‌بودن سوء ظن
۲۳۵	۵. توبه از سوء ظن
۲۴۰	فصل چهارم: مستثنیات حرمت یا کراهت سوء ظن
۲۴۰	۱. سوء ظن هنگام استیلای فساد در جامعه
۲۴۰	الف) روایات
۲۴۱	ب) بررسی روایات
۲۴۷	نتیجه روایات
۲۴۸	۲. سوء ظن نسبت به فاسق
۲۴۸	الف) معتبره عبدالله بن ابی‌یعفور
۲۴۸	بررسی سندی
۲۵۰	بررسی دلالتی
۲۵۲	ب) موثق سماعه
۲۵۳	بررسی سندی
۲۵۴	بررسی دلالتی
۲۵۵	جمع‌بندی روایات
۲۵۶	۳. سوء ظن نسبت به افراد منع‌شده از مصاحبت
۲۵۷	۴. سوء ظن نسبت به شخص وارد در معرض تهمت

الف) روایات عدم ملامت بدینی نسبت به اشخاص در معرض تهمت	۲۵۷
بررسی دلالت روایات	۲۵۸
ب) روایات مستحقان تهمت	۲۵۹
یکم. رسالة الحقوق	۲۵۹
دوم. صحیحہ ابو حمزہ ثمالی	۲۶۱
سوم. عهد مالک اشتر	۲۶۳
حاصل روایات	۲۶۴
جمع بندی مستثنیات	۲۶۴
گزاره های فقهی	۲۶۵
کتاب نامه	۲۶۸

سخن مؤسسه

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، رسالت حوزه‌های علمیه را دوچندان کرده است؛ نظام اسلامی برای تأمین پشتوانه نظری خود به منظور تصمیم‌گیری و اجرا، باید مبانی علمی لازم را در اختیار داشته باشد و این عرصه‌ای است که حوزه علمیه در کنار دیگر مجامع علمی باید در آن نقش فعال داشته باشد؛ زیرا بدون گستراندن مرزهای علوم اسلامی به مباحث نوپدید و تولید علوم انسانی با رویکرد اسلامی، این نیاز پاسخ مناسب نمی‌یابد. ضرورت مجاهدت علمی برای پاسخگویی به مطالبات روزافزون و برحق جامعه دینی، آنگاه به اثبات می‌رسد که در نظر داشت که اولاً، تحولاتی جدید در مجموعه دانش بشری، به‌ویژه علوم انسانی رخ داده است؛ ثانیاً، زندگی انسان معاصر به سبب پیشرفت علوم و فناوری‌های جدید، دستخوش تطوراتی شگرف شده است؛ ثالثاً، شکل‌گیری نظام اسلامی، فرصت مناسبی را فراروی جامعه دینی قرار داده است تا به اهداف خود دست یابد. ازاین‌رو، سرعت‌بخشیدن به فعالیت‌های علمی حوزوی برای توانمندسازی نظام اسلامی در این باره ضروری می‌نماید.

«مؤسسه اشراق و عرفان» که فعالیت خود را از سال ۱۳۸۶ با نظارت علمی و ریاست عالی استاد علیرضا اعرافی رحمته‌الله آغاز کرده است، در عین تأکید بر اصالت‌های

حوزوی، سعی در رفع نیازمندی‌های معرفتی انسان معاصر دارد. از این رو، برنامه‌های کلان خود را «پژوهش در زمینه فقه‌های نو و فلسفه‌های مضاف بر مبنای روش اجتهادی در راستای نظام سازی اسلامی»، «پرورش پژوهشگران صاحب نظر در عرصه فقه‌های نو و فلسفه‌های مضاف و نظام سازی اسلامی» و «اسلامی سازی علوم انسانی» قرار داده است تا بتواند نقشی مؤثر در این عرصه داشته باشد.

آیت الله علیرضا اعرافی رحمته الله چندین جلسه از بحث‌های فقه اخلاق اجتماعی را در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ ش. به بررسی فقهی سوء ظن اختصاص داد. کتاب حاضر برگرفته از دروس مذکور است که بعضی از محققین مؤسسه اشراق با نظارت حجت الاسلام محسن پوراکبر به صورت اولیه تقریر کردند و حجت الاسلام احمد عابدین زاده ضمن انجام اصلاحاتی در این تقریر، مباحثی را با نظارت حجت الاسلام دکتر سید نقی موسوی و با هماهنگی و راهنمایی استاد معظم آیت الله اعرافی رحمته الله به آن افزود.

مؤسسه بر خود لازم می‌داند از حضرت استاد علیرضا اعرافی رحمته الله که پس از ارائه دروس، در ادامه مراحل مختلف تقریر دروس، ارزیابی تقریرات و تحقیقات را صبورانه ادامه دادند، تشکر نماید و از تلاش‌های گروهی از محققین مؤسسه در تقریر اولیه قسمتی از کتاب، حجت الاسلام احمد عابدین زاده در تحقیق و تکمیل آن تقدیر نموده و قبول زحمت حجج الاسلام دکتر سید نقی موسوی و محسن پوراکبر در نظارت و ارزیابی این اثر را ارج نهد.

امید است صاحب نظران و اندیشه‌وران دینی، مؤسسه اشراق و عرفان را در جهت بهبود تولید آثار علمی آینده، از دیدگاه‌ها و پیشنهادهای سازنده خود بهره‌مند سازند.

پیشگفتار

تأسیس کتاب‌ها و ابواب جدید فقهی از لوازم تکامل و روزآمد شدن دانش فقه است. با استعانت از خداوند متعال، کتاب جدید فقه تربیتی، از ابداعات استاد معظم، حضرت آیت‌الله اعرافی رحمته‌الله از سوی جامعه علمی و حوزوی استقبال شد و هم‌اکنون موضوعات این کتاب فقهی در عرصه‌های گوناگونی تدریس می‌شود. «فقه اخلاق اجتماعی»، عنوان دیگری است که در فقه موجود مغفول مانده و به‌خاطر اهمیت و گستره دامنه ابتلای آن، لازم است به کتاب‌ها یا ابواب فقهی اضافه شود. بعضی از مسائل این بحث - مانند کذب و غیبت - در کتاب‌هایی مانند مکاسب محرمه مطرح شده؛ اما تاکنون باب یا کتابی فقهی برای آن اختصاص نیافته است. از این رو، آیت‌الله اعرافی رحمته‌الله از سال ۱۳۹۷ ش. جلسه‌های درسی «فقه معاصر» خود را به این موضوع اختصاص داده و تاکنون موضوعاتی مانند سوء ظن، حب و بغض، حسن خلق و سوء خلق، اکرام، توهین و ایذا و ادخال سرور را تدریس کرده‌اند و اکنون (سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ ش) در حال تدریس بحث «ظلم و عدل» هستند. یکی از موضوعات اخلاق اجتماعی، «سوء ظن» است که ایشان آن را در سال ۱۳۹۷-۱۳۹۸ ش. تدریس کردند که مباحث آن در کتاب حاضر تقریر و تکمیل شده است.

کتاب حاضر از چهار فصل تشکیل شده است:

فصل اول (کلیات): در این فصل ابتدا مسأله تبیین و سپس اهمیت و ضرورت

بحث، مفهوم‌شناسی و پیشینه بحث مطرح می‌شود.

فصل دوم (بررسی ادله حرمت): در این فصل ادله حرمت سوء ظن شامل دلیل عقل، آیات قرآن و روایات بررسی می‌شوند.

فصل سوم (فروع): در این فصل نکات کلی درباره سوء ظن که طرح آن‌ها وابسته به بررسی ادله حرمت است، بررسی می‌شود که شامل قاعده حمل فعل مسلم بر صحت، قلمرو موضوعی حرمت یا کراهت سوء ظن، قلمرو متعلق حرمت سوء ظن، کبیره یا صغیره بودن سوء ظن، و توبه از سوء ظن می‌شوند.

فصل چهارم (مستثنیات حرمت سوء ظن): در این فصل سوء ظن در چهار موضوع که احتمال حرمت نداشتن سوء ظن در آن‌ها وجود دارد، بررسی می‌شود. این موضوعات عبارتند از: سوء ظن هنگام استیلاي فساد در جامعه، سوء ظن نسبت به فاسق، سوء ظن نسبت به افرادی که از مصاحبت آن‌ها منع شده است، و سوء ظن نسبت به شخص وارد در معرض تهمت.

شایان ذکر است که تقریر اولیه قسمتی از دروس استاد معظم در بحث سوء ظن را محققانی از گروه «تا اجتهاد» مؤسسه اشراق و عرفان با نظارت حجت‌الاسلام محسن پوراکبر نوشته‌اند و تحقیق و تکمیل این بخش را بنده حقیر با نظارت حجت‌الاسلام دکتر سید نقی موسوی انجام داده‌ام. همچنین در تحقیق و تکمیل بحث سوء ظن از دیدگاه دوستانی از کمیته علمی «مؤسسه اشراق و عرفان» استفاده کرده‌ام که عبارتند از: حجج اسلام سید علی یحیی زاده، محسن پوراکبر و احمد شهاخت.

بر خود لازم می‌دانم از همه عزیزانی که بنده را در فراهم آمدن این اثر یاری کردند، تشکر نمایم: استاد معظم آیت الله اعرافی رحمته الله، حجج اسلام سید نقی موسوی و محسن پوراکبر (ناظران تقریر و تحقیق مباحث)، دوستان گروه تا اجتهاد، دوستان کمیته علمی مؤسسه اشراق و عرفان، آقای محمد مهدی حکیمیان (ویرایشگر)، آقای حمید بهرامی (صفحه‌آرا) و همکاران محترم بخش اداری مؤسسه اشراق و عرفان، به ویژه مدیر محترم مؤسسه حجت الاسلام دکتر سید نقی موسوی.

احمد عابدین زاده

فصل اول: کلیات

پیش از بررسی فقهی «سوء ظن»، در این فصل بیان مسئله، اهمیت و ضرورت آن، مفهوم‌شناسی و پیشینه بحث را بیان می‌کنیم.

۱. بیان مسئله

سوء ظن و حسن ظن، نوعی نگرش و رفتار جوانحی‌اند که گاهی خود آن‌ها و گاهی مقدمات یا ترتیب اثر بر آن‌ها اختیاری‌اند؛ از این رو مشمول احکام تکلیفی پنج‌گانه وجوب، استحباب، حرمت، کراهت یا اباحه می‌شوند. این موضوع با وجود نقش بسزایی که در رفتارهای اجتماعی دارد، در فقه رایج جایگاهی پیدا نکرده است. این امر ممکن است ناشی از اخلاقی بودن فعل، جوانحی بودن یا باور به غیراختیاری بودن آن باشد؛ اما نه اخلاقی یا جوانحی بودن فعل مانع حکم فقهی آن می‌شود و نه باور به غیراختیاری بودن آن صحیح است؛ زیرا از سویی ظن در موارد زیادی همراه با اختیار انسان است؛ چون ظن همیشه تصور خالی نیست، بلکه با اسناد ذهنی فعل یا صفتی به دیگران همراه است. ضمن اینکه اسناد ذهنی، امری اختیاری است و انسان توان ترک و مقاومت در برابر آن را دارد. از سوی دیگر، هر فعل

جوانحی در صورت اختیاری بودن از دید عرفی، دارای حکم شرعی است. افزون بر آن، اگر خود فعل اختیاری نباشد، اما مقدمات یا ترتب آثار بر آن اختیاری باشد، از این جهت حکم شرعی به آن تعلق می‌گیرد. بنابراین، سوء ظن و حسن ظن دارای حکم شرعی و در فقه قابل بررسی هستند.

حسن ظن و سوء ظن بر پایه متعلق آن‌ها در بخش‌های گوناگون اخلاق جای می‌گیرند. متعلق این فعل گاهی خدای تعالی، گاهی خود انسان و گاهی دیگران هستند. حسن ظن یا سوء ظن به خدای تعالی در «اخلاق بندگی»، سوء ظن یا حسن ظن به خود در «اخلاق فردی» و سوء ظن یا حسن ظن به دیگران در «اخلاق اجتماعی» جای دارند. موضوع این کتاب، «فقه اخلاق اجتماعی» است. بنابراین، دو قسم اول، از محل بحث خارج است و فقط قسم سوم در کتاب حاضر، بررسی خواهد شد.

۲. اهمیت و ضرورت بحث

موضوع سوء ظن و حسن ظن به این دلیل که نقش تأثیرگذاری در روابط اجتماعی عام و خاص و سلامت روانی شخص دارد، بحث فقهی پیرامون آن ضرورت می‌یابد. کارکردهای این موضوع در زندگی شخصی و اجتماعی انسان موارد زیر هستند:

الف) نقش اجتماعی: نگرش مثبت یا منفی به دیگران، منشأ رفتارهای دیگر اجتماعی از جمله اعتماد و بی‌اعتمادی، حب و بغض، تعریف و تمجید یا غیبت و بدگویی، اکرام یا توهین و رفتارهای دیگر اجتماعی است که نقش مهمی در زندگی اجتماعی دارند. همچنین زندگی اجتماعی به وجود اعتماد افراد نسبت به یکدیگر وابسته است؛ تاجایی که زندگی اجتماعی بدون حسن ظن، مختل یا دشوار می‌شود. ضمن آنکه وجود بعضی اختلالات اجتماعی یکی از منشأهای سوء ظن است. رواج دروغ، ظلم و فساد حقوقی، اداری و

اقتصادی در یک جامعه، بی‌اعتمادی و سوء ظن افراد به یکدیگر را در پی دارد. به همین خاطر، تحلیل جامعه‌شناختی سوء ظن در جامعه‌شناسی قابل بررسی است.

ب) کارکرد روانی: سوء ظن و حسن ظن افزون بر اخلاق اجتماعی، در سلامت روانی و شخصیت روانی افراد نیز اثرگذار است؛ ازاین‌رو در روان‌شناسی عمومی و اجتماعی اهمیت دارد.

ج) روابط خانوادگی: حسن ظن در روابط خانوادگی به‌ویژه میان زن و شوهر، موجب استحکام خانواده، ادارهٔ بهتر امور آن و ایجاد آرامش در محیط خانواده می‌شود و به تربیت صحیح فرزندان کمک می‌کند. در مقابل سوء ظن موجب اختلال در روابط خانوادگی، ازبین‌رفتن آرامش و آسیب به تربیت فرزندان می‌شود.

د) تعلیم و تربیت: سوء ظن و حسن ظن، از دو جهت در تعلیم و تربیت نقش دارند؛ نخست، در «آداب تربیت»؛ مربی در تعلیم و تربیت افراد، لازم است از سوء ظن به آنان دوری کند و چه‌بسا در مواردی نسبت به آنان حسن ظن داشته باشد؛ زیرا لازمهٔ تربیت صحیح اعتماد به اوست. از سوی دیگر، لازمهٔ تربیت‌پذیری متربی، اعتماد او به مربی است؛ ازاین‌رو مربی باید در جهت اعتمادسازی و ایجاد حسن ظن و سوء ظن‌زدایی از وی، او را برای تربیت‌پذیری آماده کند. دوم، «تربیت اخلاقی»؛ یکی از موضوعات در تربیت اخلاقی افراد، ایجاد و تربیت روحیات اخلاقی در متربی است. ازجمله مسائل اخلاقی، تنظیم نگرش فرد به دیگران از جهت حسن ظن یا سوء ظن به آنان است. از سویی تربیت اخلاقی در مسائل گوناگون افزون بر روش‌های عام تربیت اخلاقی، به اعمال شگردها و روش‌های خاص آن مسئله نیازمند است؛ ازاین‌رو لازم است که در این بحث بایی برای بررسی

روش‌های اختصاصی در تربیت مسائل اخلاقی گشوده شود که از آن جمله، «روش‌های ایجاد حسن ظن ممدوح در مربی» و «ازبین بردن سوء ظن مذموم در او» است.

ه) مدیریت: یکی از جایگاه‌های بحث سوء ظن و حسن ظن در مدیریت است. لازمه مدیریت موفق، ایجاد ارتباط مؤثر با زیردستان و سازمان‌های دیگر است و ارتباط مؤثر جز با اعتماد و حسن ظن امکان‌پذیر نیست. این امر به معنای اعتماد کامل نیست و مدیر در مواردی مانند انتخاب کارگزاران، باید با سوء ظن یا دست‌کم عدم حسن ظن و اعتماد عمل کند. مدیر خوب افزون بر اعتماد به زیردستان و سازمان‌ها، باید در دیگران نیز نسبت به خود و برنامه‌هایش اعتماد ایجاد کند تا آن‌ها نیز به راحتی برنامه‌های او را بپذیرند و در پیش‌برد آن‌ها تلاش کنند. به این ترتیب، کنترل سوء ظن و حسن ظن، افزون بر اخلاق مدیریت، نوعی اصل و شگرد مدیریتی است.

و) سیاست: نقش دیگر بحث سوء ظن و حسن ظن در سیاست و کشورداری است که کلان‌ترین بخش «مدیریت جامعه» می‌باشد. این موضوع از چند جهت در سیاست قابل طرح است:

۱. حسن ظن و سوء ظن حاکم به مسئولان و مردم؛ تنظیم نوع نگرش حاکم به مسئولان و مردم نقش بسزایی در اداره کشور دارد؛ چراکه حاکم از یک سو بدون اعتماد به آنان نمی‌تواند کارهای کشور را پیش ببرد و از سوی دیگر، باید - طبق روایات^۱ - در گزینش کارگزاران از تکیه بر حسن ظن کامل اجتناب کند و درباره سلامت نفس و توانایی آنان تحقیق کند.

۲. حسن ظن و سوء ظن در روابط خارجی؛ بی‌شک ایجاد روابط خارجی مناسب برای اداره کشور لازم و لازمه آن، تنظیم نوع نگرش به کشورهای

۱. محمد بن حسین (شریف رضی)، نهج البلاغه، ص ۴۳۷.

دوست و دشمن است. اعتماد و حسن ظن به کشورهای دوست لازمه حفظ روابط با آنهاست؛ با این وجود درجه اعتماد به آنها یکسان نیست و لازم است اعتماد به آنها با درایت همراه باشد؛ همان‌گونه که درباره دشمنان، همواره باید به آنها به دید سوء ظن نگریست، حتی اگر جنگی در میان نباشد.^۱

۳. حسن ظن و سوء ظن در مسائل امنیتی؛ اطلاعات و امنیت یکی از شئون حاکمیت است. در مواردی لازمه کارهای امنیتی سوء ظن یا عدم حسن ظن است.

ز) اقتصاد و تجارت: یکی از ارکان اقتصاد، تجارت و دادوستد است. اقتصاد سالم و پویا به تجارت وابسته است. موفقیت یک تاجر زمانی است که بتواند اعتماد دیگران را به خود جلب و مشتری بیشتری را برای کالاهای خود جذب کند. مشتری باید از دو جهت به فروشنده اعتماد کند؛ صداقت فروشنده و کیفیت کالا. بنابراین، تاجر باید از این دو جهت در مشتری اعتماد و حسن ظن ایجاد کند.

با وجود کارکردهای یادشده بحث سوء ظن و حسن ظن در علوم و حیطه‌های مختلف، بررسی فقهی این موضوع و زوایای آن ضروری است. افزون بر این، لازم است اولاً این موضوع در خود علوم یادشده با رویکرد آنها بررسی شود و ثانیاً، حکم فقهی آن در باب‌های فقهی جدید ناظر به علوم و حیطه‌های یادشده، به صورت ویژه با لحاظ اثرات خاصی بررسی شود.

۳. مفهوم‌شناسی

در مفهوم‌شناسی، نخست مفهوم سوء ظن، سپس حسن ظن و در نهایت واژه‌های متناظر آنها را بررسی می‌کنیم.

۱. همان، ص ۴۴۲.

الف) سوء ظن

برای بررسی مفهوم سوء ظن، نخست معنای «سوء» و «ظن»، و سپس معنای ترکیب آن‌ها را بررسی خواهیم کرد.

یکم. ظن

ظن در لغت به دو معنای شک و یقین آمده است^۱ و گاهی به «احتمال راجح» اطلاق می‌شود.^۲ بنابراین واژه ظن را می‌توان دارای سه معنا دانست: الف) یقین؛ علمی که در آن احتمال خلاف وجود ندارد.

ب) احتمال راجح؛ این معنا از یقین و اطمینان پایین‌تر و از تساوی بالاتر است؛ به عبارت دیگر، حد واسطه بین یقین و شک می‌باشد.

ج) معنای عام مقابل یقین؛ این معنا، از معانی قبلی عام‌تر است. در کتاب‌های لغوی گاهی ظن را به شک در مقابل یقین معنا کرده‌اند. شک در اینجا همه مراتب پایین‌تر از یقین را دربر می‌گیرد که عبارتند از: احتمال راجح، شک و وهم.

ماده «ظنن» در قرآن کریم، بیش از ۵۰ بار آمده و به هر سه معنای

۱. «الظن يكون بمعنى الشك و بمعنى اليقين كما في قوله تعالى: ﴿يُظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ﴾ أي يتيقنون.» (خليل بن احمد فراهيدي، كتاب العين، ج ۱، ص ۱۵۲)؛ «أبو عبيد عن أبي عبيدة: قال: الظن يقين و شك و أنشد: «ظنني بهم كعسى و هم يتنوفة» *** يتنازعون جوائز الأمثال» يقول: اليقين منهم كعسى، و عسى شك.» (محمد بن احمد ازهرى، تهذيب اللغة، ج ۱۴، ص ۲۶۰)؛ «الظن: في معنى الشك و اليقين. و قوله عز و جل: ﴿و ظنوا أن لا ملجأ من الله إلا إليه﴾ يقين و علم.» (صاحب بن عباد (اسماعيل بن عباد)، المحيط في اللغة، ج ۱۰، ص ۱۲)؛ «الظن معروف، و قد يوضع موضع العلم. قال دريد بن الصمة: «فقلت لهم ظنوا بالفئ مدجج» *** سرائهم في الفارسي المسرد» أي استيقنوا. وإنما يخوف عدوه باليقين لا بالشك.» (اسماعيل بن حماد جوهرى، الصحاح، ج ۶، ص ۲۱۶)

۲. «الفرق بين الظن و الشك: أن الشك استواء طرفي التجويز، و الظن رجحان أحد طرفي التجويز.» (حسن بن عبدالله عسكرى، الفروق في اللغة، ص ۹۱)

یاد شده به کار رفته است: به معنای یقین، مانند آیه ﴿الَّذِينَ يُظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ﴾^۱. این آیه در مقام توصیف گروه‌های خاص و مهم مؤمنان است؛ از این رو توصیف با ظن به معنای احتمال سازگار نیست، بلکه «یظنون» به معنای «یوقنون» است. به معنای احتمال راجح، مانند آیه ﴿فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ﴾^۲ و به معنای شک در مقابل یقین، مانند آیه ﴿وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾^۳.

دوم. سوء

سوء در لغت به معنای «قبیح» است و به هر امر پستی اطلاق می‌شود.^۴ آن گونه که از نص و ظاهر بعضی از کتاب‌های لغوی به دست می‌آید، «سوء» (به فتح سین) مصدر ساء یسوء و سُوء (به ضم سین) اسم است؛^۵ اما بنابر

۱. بقره (۲)، ۴۶.

۲. بقره (۲)، ۲۳۰.

۳. بقره (۲)، ۷۸.

۴. «و السُّوءُ نعت لكل شيء ردىء. سَاءَ يَسُوءُ، لازم و مجاوز... و سَاءَ الشَّيْءُ: قبيح فهو سَيِّئٌ. و السُّوءُ: اسم جامع للآفات و الداء.» (خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۷، ص ۳۲۷)؛ «قال الليث: سَاءَ يَسُوءُ: فِعْلٌ لازم و مُجَاوِزٌ، يقال: سَاءَ الشَّيْءُ يَسُوءُ فهو سَيِّئٌ: إِذَا قَبِحَ. و السُّوءُ: الاسم الجامع للآفات و الداء.» (محمد بن احمد ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۳، ص ۸۹)؛ «و السُّوءُ: نَعْتُ لِكُلِّ شَيْءٍ رَدِيءٍ، و الْفِعْلُ: سَاءَ يَسُوءُ - لَازِمٌ و مُجَاوِزٌ -» (صاحب بن عباد (اسماعیل بن عباد)، المحيط فی اللغة، ج ۸، ص ۴۱۴).

۵. «سَاءَ يَسُوءُهُ سُوءًا، بالفتح، و مَسَاءَةً و مَسَائِيَةً: نَقِيضُ سَرَّةٍ، و الاسم السُّوءُ، بالضم.» (اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، ج ۱، ص ۵۵)؛ «أَنَّ السُّوءَ مصدر أضيف المنعوت اليه تقول هو رجل سوء و رجل السوء بالفتح و ليس هو من قولك سَوْتُهُ و في المثل لا يعجز مسك السوء عن عرق السوء، أي لا يعجز الجلد الرديء عن الريح الرديئة، و السوء بالضم المكروه يقال سَاءَ يَسُوءُهُ إِذَا لَقِيَ مِنْهُ مَكْرُوهًا، و أصل الكلمتين الكراهة إلا أن استعمالها يكون على ما وصفنا.» (حسن بن عبدالله عسکری، الفروق فی اللغة، ص ۱۹۳)

دیدگاه بعضی، هردو مصدر هستند.^۱

سوم. سوء ظن

ترکیب «سوء الظن» در قرآن کریم نیامده، برخلاف ترکیب «ظن السوء» که چند بار تکرار شده است.^۲ اما این ترکیب در روایات درباره سوء ظن به خداوند متعال و سوء ظن به دیگران وارد شده است.^۳ شایسته است برای به دست آوردن معنای ترکیب سوء ظن به چند نکته توجه شود:

الف) ظن به سه معنای یقین، احتمال راجح و معنای عام مقابل یقین (نقیض یقین) به کار می‌رود. در محل بحث منظور از ظن، معنای سوم آن است که همه مراحل احتمالات پایین‌تر از یقین را شامل می‌شود و اعم از احتمال راجح، شک و وهم است. بر این اساس، ظن امری معرفتی، ذهنی یا درونی است. بنابراین سوء ظن یعنی «اسناد درونی فعل یا صفت ناپسند به دیگران».

۱. «سَاءُهُ يَسُوءُهُ سَوْءًا وَ سُوءًا وَ مَسَاءَةً. وَ رَجُلٌ سَوْءٌ، مَهْمُوزٌ وَ غَيْرُ مَهْمُوزٍ.» (محمد بن حسن (ابن درید)، *جمهرة اللغة*، ج ۱، ص ۲۳۷)

۲. مانند آیات شریفه ﴿وَيَعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنِّ السَّوْءِ﴾ (فتح (۴۸)، ۶) و ﴿هَبْلٌ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزَيْنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنِّي السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا﴾ (فتح (۴۸)، ۱۲).

۳. مانند این روایات: «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ رحمته الله قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: مُجَالَسَةُ الْأَشْرَارِ تُورِثُ سُوءَ الظَّنِّ بِالْأَخْيَارِ وَ مُجَالَسَةُ الْأَخْيَارِ تُلْحِقُ الْأَشْرَارَ بِالْأَخْيَارِ وَ مُجَالَسَةُ الْفَجَّارِ لِلْأَبْرَارِ تُلْحِقُ الْفَجَّارَ بِالْأَبْرَارِ فَمَنْ اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ أَمْرُهُ وَلَمْ تَعْرِفُوا دِينَهُ فَانْظُرُوا إِلَىٰ خُلَاطَائِهِ فَإِنْ كَانُوا أَهْلَ دِينِ اللَّهِ فَهُوَ عَلَىٰ دِينِ اللَّهِ وَإِنْ كَانُوا عَلَىٰ غَيْرِ دِينِ اللَّهِ فَلَا حَظَّ لَهُ فِي دِينِ اللَّهِ - إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كَانَ يَقُولُ: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَوَاحِشَنَّ كَافِرًا وَلَا يَخَالِطَنَّ فَاجِرًا.» (محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، *صفات الشیعة*، ص ۶)؛ «قَدْ مَلَكَ الشَّيْطَانُ عَنَانِي فِي سُوءِ الظَّنِّ وَ صَعْفِ الْيَقِينِ، فَأَنَا أَشْكُو سُوءَ مُجَاوَرَتِهِ لِي، وَ طَاعَةَ نَفْسِي لَهُ، وَ اسْتِعْصَامُكَ مِنْ مَلَكَتِهِ، وَ اتَضَرَّعُ إِلَيْكَ فِي صَرْفِ كَيْدِهِ عَنِّي.» (امام علی بن الحسین عليه السلام، *الصحيفة السجادية*، ص ۱۵۲)

ب) درباره نوع اضافه «سوء» به «الظن» دو احتمال وجود دارد:

۱. اضافه صفت به موصوف؛ سوء صفت بوده که به موصوفش اضافه شده است و این عبارت در واقع به معنای «الظن السوء» می باشد؛ یعنی ظنی که سوء (گمان بد) است. این امر در صورتی درست است که سوء به معنای صفت باشد.

۲. اضافه مصدر به فاعل؛ سوء مصدر است که به فاعل خود اضافه شده است؛ یعنی بدبودن گمان.

ج) بنابر هردو احتمال مراد از «ظن» معنای مصدری آن نیست؛ بلکه مراد مظنون می باشد که ممکن است سوء یا حسن باشد.

ب) حسن ظن

حسن ظن عبارت مقابل سوء ظن است. درباره معنای حسن ظن دو احتمال وجود دارد:

۱. معنای عام: در این معنا، حسن ظن در مقابل عدم سوء ظن قرار دارد و بینشان واسطه ای نیست. بر این اساس، حسن ظن یعنی کار یا صفت شخص را جایز به معنای مطلق بداند که اعم از مباح، مستحب و واجب است؛ در مقابل سوء ظن به معنای ناشایست شمردن (حرام یا مکروه شرعی و ناشایست عرفی) کار شخص است.

۲. معنای خاص: در این معنا، حسن ظن به معنای حمل کار دیگران یا صفات آنها به وجه مستحسن است که شامل وجوب و استحباب شرعی و شایسته و پسندیده عرفی می شود. چنانچه حسن ظن به این معنا باشد، بین حسن ظن و سوء ظن واسطه ای ایجاد می شود که اعتقاد به جایز بودن فعل شخص است. در این صورت سوء ظن به معنای اعتقاد به این است که کار شخص، مکروه یا حرام است و حسن ظن یعنی باور به این که کار او واجب و مستحب می باشد.

کتاب‌های لغوی حسن را ضد^۱ یا نقیض^۲ قبح و سوء خوانده‌اند که با هردو احتمال یادشده سازگار است؛ هرچند با احتمال اول سازگارتر می‌باشد. بنابراین از جهت لغوی هردو معنا درست هستند و در هنگام کاربرد، لازم است معنا بر پایه قرائن تعیین شود.

ج) واژه‌های متناظر

در کنار واژه‌های حسن ظن و سوء ظن، واژه‌هایی هستند که از نظر معنایی به آن‌ها نزدیک و در ادله نقلی یا علوم نوین انسانی متداول هستند؛ از این رو لازم است معنا و رابطه آن‌ها با حسن ظن و سوء ظن روشن شود.

یکم. تهمت

اتهام یا تهمت واژه متناظر ظن (اسناد امر غیر معلوم) است؛ زیرا در بعضی از کتاب‌های لغوی ظن به معنای تهمت^۳ و گاهی تهمت به معنای ظن تفسیر شده است.^۴ برای بررسی رابطه میان تهمت و ظن، لازم است مفهوم لغوی واژه تهمت واکاوی شود. تهمت بر وزن «فُعْلَة» از ماده «وهم» مشتق شده است.^۵ در کتب لغت دو

۱. «و المَحَاسِنُ مِنَ الْأَعْمَالِ ضِدُّ الْمَسَاوِي» (خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۳، ص ۱۴۳؛

محمد بن احمد ازهری، تهذیب اللغة، ج ۴، ص ۱۸۳؛ صاحب بن عباد (اسماعیل بن عباد)، المحيط فی اللغة، ج ۲، ص ۴۸۷؛ «الحاء و السين و النون أصل واحد. فالْحُسْنُ ضِدُّ الْقُبْحِ... و المحاسنُ من الإنسان و غیره: ضِدُّ الْمَسَاوِي» (احمد بن فارس بن زکریا (ابن فارس)، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۵۷ و ۵۸)

۲. «الْحُسْنُ: نَقِيضُ الْقُبْحِ؛ وَ الْجَمْعُ مَحَاسِنٌ عَلَى غَيْرِ قِيَاسٍ، كَأَنَّهُ جَمْعُ مَحْسَنٍ» (اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، ج ۵، ص ۲۰۹۹)

۳. «و الظَّنَّيْنِ: الْمُتَهَمُ، وَ الْأَسْمُ الظَّنَّةُ. وَ هُوَ مَوْضِعُ ظَنَنْتِي أَيْ تَهْمَتِي، وَ اضْطَنَنْتُ: افْتَعَلْتُ» (خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۸، ص ۱۵۱)

۴. «ابن سيدة: التَّهْمَةُ الظَّنُّ،... وَ اتَّهَمْتُهُ: ظَنَنْتُ فِيهِ مَا تُنْسَبُ إِلَيْهِ» (محمد بن مکرم (ابن منظور)، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۶۴۴؛ «و اتَّهَمْتُهُ بِكَذَا ظَنَنْتُهُ بِهِ فَهُوَ تَهِيمٌ» وَ اتَّهَمْتُهُ فِي قَوْلِهِ شَكَّكَتْ فِي صِدْقِهِ» (احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۶۷۴)

۵. «و التَّهْمَةُ اشْتَقَّتْ مِنَ الْوَهْمِ، [و أصلها: وَهْمَةٌ]» (خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۴، ص ۱۰۰؛ «و التَّهْمَةُ: اشْتُقَّتْ مِنَ الْوَهْمِ» (صاحب بن عباد (اسماعیل بن عباد)، المحيط فی اللغة، ج ۴، ص ۸۳)

معنا برای آن بیان شده است؛ نخست ظن^۱ و دوم، چیزی که با آن به کسی اتهام می‌بندند.^۲

درباره نوع هیئت آن سه احتمال وجود دارد:

الف) اسم مصدر برای ثلاثی مجرد؛^۳ بنابر احتمال اول تهمت هم معنای وهم است؛ با این تفاوت که تهمت اسم و نتیجه فعل «وهم» است و مصدر نیست و درباره آن سه احتمال وجود دارد: اشتباه در فهم، جانداختن مطلب یا کاری از روی فراموشی و سهو و خطورات قلبی.

ب) اسم مصدر برای باب افتعال (اتهام)؛^۴ بر این اساس تهمت هم معنای اتهام است که درباره آن سه احتمال یادشده وجود دارد.

ج) اسم برای فعل یا صفتی ناپسندی که به شخصی نسبت داده می‌شود. احتمال اول و دوم با معنای ظن و شک و احتمال سوم با صفت و فعل مضمون سازگار است که از محل بحث در کتاب حاضر خارج است. بنابراین برای به دست آوردن معنای دقیق تهمت و رابطه آن با سوء ظن، لازم است معنای وهم و اتهام بررسی شود.

فراهِیدی برای ریشه «وهم» چهار معنا (شتر بزرگ، شتر قوی رام، راه

۱. «و التُّهْمَةُ: الظَّنُّ.» (علی بن اسماعیل (ابن سیده)، المحکم و المحيط الأعظم، ج ۴، ص ۴۴۴)

۲. «و اتَّهَمَ الرَّجُلَ وَ اتَّهَمَهُ، وَ أُوْهَمَهُ: أَدْخَلَ عَلَيْهِ التُّهْمَةَ، أَيْ مَا يَتَّهَمُ عَلَيْهِ» (علی بن اسماعیل (ابن سیده)، المحکم و المحيط الأعظم، ج ۴، ص ۴۴۴)؛ «و أُوْهَمَهُ: أَدْخَلَ عَلَيْهِ التُّهْمَةَ، كَهَمْزَةٍ أَيْ: مَا يَتَّهَمُ عَلَيْهِ.» (محمد بن یعقوب فیروزآبادی، القاموس المحيط، ج ۴، ص ۱۶۵)

۳. ظاهر کسانی که تهمت را مشتق از وهم می‌دانند، این احتمال است: «و التُّهْمَةُ اشتقت من الوهم، [و أصلها: وَهْمَةٌ.]» (خلیل بن احمد فراهِیدی، کتاب العین، ج ۴، ص ۱۰۰)؛ «و التُّهْمَةُ: اشْتُقَّتْ مِنَ الْوَهْمِ.» (صاحب بن عباد (اسماعیل بن عباد)، المحيط فی اللغة، ج ۴، ص ۸۳).

۴. «و اتَّهَمْتُ فَلَانًا بِكَذَا، وَ الْاسْمُ التُّهْمَةُ بِالْتَحْرِيكِ.» (اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، ج ۵، ص ۲۰۵۴)

و وهم قلب)^۱ و ابن فارس فقط سه معنا (شتر بزرگ، راه و وهم قلب)^۲ بیان می‌کنند. معانی اول از محل بحث خارج و محل بحث در معنای اخیر (وهم قلب) منحصر است. برای وهم قلب نیز چند معنا بیان شده است: اشتباه در فهم، جانداختن مطلب یا کاری از روی فراموشی و سهو،^۳ خطورات قلبی.^۴ وهم در معنای خطورات قلبی در مقابل «علم» قرار می‌گیرد و همه مراتب غیر علم و اطمینان (احتمال کم، مساوی و زیاد) را شامل می‌شود. بی‌تردید واژه تهمت ارتباطی با معنای دوم (جا انداختن مطلب از روی فراموشی) ندارد؛ اما با معنای اول (اشتباه در فهم) و سوم (خطورات قلبی) سازگار است. افزون بر این، وهم گاهی درخصوص «احتمال مرجوح» نیز استعمال می‌شود که اصطلاح خاصی است و با معنای لغوی آن متفاوت است.

۱. «الْوَهْمُ: الجمل الضخم. قال ذو الرمة:

كأنها جمل وَهْمٌ وما بقيت
إلا النحيرة والألواح والعصب

و الوَهْمُ: الطريق الواضح الذي يرد الموارد، ويصدر المصادر، قال لبید: ... و الوَهْمُ من الإبل: الذلول المنقاد لصاحبه مع قوة. و الوَهْمُ: وهم القلب.» (خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۴، ص ۱۰۰)

۲. «الواو و الهاء و الميم: كلمات لا تنقاس، بل أفراد. منها الوَهْم، و هو البعير العظیم. و الوَهْم: الطريق. و الوَهْم: وَهْمُ الْقَلْب. يقال: وَهَمْتُ أَهْمٌ وَهْمًا، إذا ذَهَبَ وَهْمِي إِلَيْهِ. و منه قياس التُّهْمَةِ. و أَوْهَمْتُ فِي الْحِسَاب، إذا تركت منه شيئاً. وَهَمْتُ: غَلِطْتُ، أَوْهَمَ وَهْمًا.» (احمد بن فارس بن زکریا (ابن فارس)، معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۱۴۹)

۳. «و يقال: وَهَمْتُ فِي كَذَا، [أى: غلطت]. وَهَمَ إِلَى الشَّيْءِ يَهْمُ، أى: ذهب وهمه إليه. وَأَوْهَمْتُ فِي كِتَابِي وَ كَلَامِي إِلَيْهَامًا، أى: أسقطت منه شيئاً. وَهَمَ يُوْهَمُ وَهْمًا، أى: غلط.» (خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۴، ص ۱۰۰)؛ «وَهَمْتُ فِي كَذَا وَ كَذَا، أى غَلِطْتُ. وَهَمَ إِلَى الشَّيْءِ يَهْمُ، إذا ذهب وَهْمُهُ إِلَيْهِ، وَأَوْهَمَ الرَّجُلُ فِي كِتَابِهِ وَ كَلَامِهِ، إذا أسقط.» (محمد بن احمد ازهری، تهذیب اللغة، ج ۶، ص ۲۴۵)؛ «وَهَمْتُ فِي الْحِسَابِ أَوْهَمَ وَهْمًا، إذا غلطت فيه و سهوت. وَهَمْتُ فِي الشَّيْءِ بِالْفَتْحِ أَهْمٌ وَهْمًا، إذا ذهب وَهْمُكَ إِلَيْهِ وَ أَنْتَ تَرِيدُ غَيْرَهُ.... وَأَوْهَمْتُ الشَّيْءَ، إذا تركته كله. يقال أَوْهَمَ مِنَ الْحِسَابِ مَائَةً، أى أسقط. وَأَوْهَمَ مِنْ صَلَاتِهِ رُكْعَةً.» (اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، ج ۵، ص ۲۵۴)

۴. «الْوَهْمُ: من خَطَرَاتِ الْقَلْبِ، و الجمع أَوْهَامٌ.» (علی بن اسماعیل (ابن سیده)، المحکم و المحيط الأعظم، ج ۴، ص ۴۴۴)

حال در بررسی رابطه وهم و ظن، باید گفت که براساس مطالب بیان شده، وهم دو معنای عام (مقابل علم و اطمینان که شامل مراتب ظن، شک و احتمال مرجوح می شود) و خاص (احتمال مرجوح) و ظن سه معنای عام (غیرعلم)، خاص (احتمال راجح) و یقین دارد. این دو واژه در معنای عام مرادف یکدیگر و در معنای خاص مقابل یکدیگر قرار می گیرند و تمامی معانی بیان شده حقیقی و به صورت مشترک لفظی بوده و تعیین آن ها به «قرینه معینه» نیازمند است.

واژه «اتهام»، مصدر باب افتعال است. باب افتعال، غالباً به صورت لازم و به معنای مطاوعه استعمال می شود؛ اما معانی دیگری هم دارد که به شکل متعدی به کار می رود. «اتهم» از مواردی است که باب افتعال در آن به معنای متعدی به کار می رود و مفعول می گیرد. معانی بیان شده برای این واژه در کتب لغت عبارتند از: ادخال تهمت،^۱ شک و ریهه^۲ و ظن.^۳ بر این اساس، درباره معنای اتهام سه احتمال قابل طرح است:

الف) اسناد غیرعلمی قولی (ادخال تهمت)؛ اتهام در این احتمال به معنای «افتراء بستن به کسی» است؛ یعنی چیزی را به دیگری نسبت

۱. «اتَّهَمْتُه: افتعلته، و اتَّهَمْتُه، علی بناء أفعلت، أی: أدخلت علیه التهمة.» (خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۴، ص ۱۰۰)؛ «و يقال: اتَّهَمْتُ فلاناً علی بناء أفعلت، أی أدخلت علیه التهمة.» (محمد بن احمد ازهری، تهذیب اللغة، ج ۶، ص ۲۴۵)؛ «و اتَّهَمْتُه: أدخلت علیه التهمة.» (صاحب بن عباد (اسماعیل بن عباد)، المحيط فی اللغة، ج ۴، ص ۸۳)؛ «و اتَّهَمَ الرَّجُلُ وَ اتَّهَمَهُ، وَ أَوْهَمَهُ: أدخل علیه التهمة، أی ما يتَّهَمُ علیه، وَ اتَّهَمَ هو، فهو مُتَّهَمٌ وَ تَهِيمٌ.» (علی بن اسماعیل (ابن سیده)، المحکم و المحيط الأعظم، ج ۴، ص ۴۴۴)

۲. «أبو زيد: يقال: للرجل إذا اتَّهَمْتُهُ: اتَّهَمْتُ إِيَّاهُ، مثل أدَوْتُ إدواءً. يقال قد اتَّهَمَ الرجل علی أفعل، إذا صارت به الريبة.» (اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، ج ۵، ص ۲۰۵۴)؛ «و (اتَّهَمْتُه) فی قوله شککت فی صدقه و الاسم (التهمة) وَ زَانُ رُطْبَةٍ وَ السُّكُونُ لُغَةً حَكَاهَا الْفَارَابِيُّ وَ أَضْلُ النَّاءِ وَ او.» (احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۶۷۴)

۳. «و اتَّهَمْتُه: ظننتُ فيه ما تُنسب إليه.» (محمد بن مکرم (ابن منظور)، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۶۴۴)؛ «و (اتَّهَمْتُه) بِكَذَا ظَنَنْتُهُ بِهِ فَهُوَ تَهِيمٌ.» (احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۶۷۴)

می‌دهد، درحالی‌که به آن علم ندارد یا حتی به خلافش علم دارد. این یک «نسبت قولی» به معنای «مبرز» است که نوشتن را هم شامل می‌شود.

ب) اسناد غیرعلمی درونی و قلبی؛ معنای دیگر این کلمه، اسناد ذهنی و درونی امری به یک شخص بدون علم یا اطمینان و فقط با ظن یا شک است. ج) مطلق اسناد غیرعلمی، اعم از قولی و ذهنی.

نکته شایان توجه درباره اتهام، این است که این واژه برای اسناد صفات و کارهای ناشایست به کار می‌رود و برای اسناد کارهای شایسته به کار نمی‌رود.

بنابراین پیرامون رابطه اتهام با سوء ظن باید گفت که بنابر احتمال اول در معنای اتهام، این واژه با سوء ظن «متباین» است؛ اما طبق احتمال دوم در معنای اتهام و معنای عام ظن، رابطه اتهام با سوء ظن «تساوی» و براساس احتمال سوم، سوء ظن اخص از اتهام است. تعیین معنای ظن یا اتهام در ادله، به قرینه نیازمند است.

واژه «توهم» کلمه دیگری است که از ماده وهم مشتق شده و از جهت معنایی به تهمت نزدیک است؛ ازاین‌رو بیان معنا و رابطه آن با سوء ظن شایسته می‌باشد. لغویان درباره «توهم» دیدگاه‌های گوناگونی را بیان کرده‌اند: ایهام و اغفال،^۱ تخیل و تمثل،^۲ ظن^۳

۱. «و تَوَهَّمْتُ فِي كَذَا، وَأَوْهَمْتُهُ، أَي: أَغْفَلْتَهُ.» (خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۴، ص ۱۰۰؛ محمد بن احمد ازهری، تهذیب اللغة، ج ۶، ص ۲۴۵؛ صاحب بن عباد (اسماعیل بن عباد)، المحيط فی اللغة، ج ۴، ص ۸۳)

۲. «و تَوَهَّمُ الشَّيْءَ: تَخَيَّلَهُ وَ تَمَثَّلَهُ، كَانَ فِي الْوُجُودِ أَوْ لَمْ يَكُنْ.» (علی بن اسماعیل (ابن سیده)، المحکم و المحيط الأعظم، ج ۴، ص ۴۴۴)

۳. «و تَوَهَّمْتُ، أَي ظَنَنْتُ.» (اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، ج ۵، ص ۲۰۵۴؛ احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۶۷۴)